

# رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام

دکتر ابراهیم متقی

شناسنامه پژوهشی اثر

---

عنوان طرح نامه: رویارویی غرب معاصر با جهان اسلام

پژوهشگر: فرهنگ و مطالعات اجتماعی، گروه علمی: غرب شناسی، محقق: دکتر ابراهیم متقی

ارزیاب علمی: دکتر محمدرحیم عیوضی

مدت انجام تحقیق: سه سال

---

## فهرست

پیشگفتار.....	۹
مقدمه.....	۱۳
نوآوری پژوهش.....	۱۸
<b>فصل اول: بررسی مبانی فرهنگی و هنجاری غرب معاصر..... ۲۱</b>	
۱. رسالت‌گرایی کشورهای جهان غرب.....	۲۳
۲. برتری‌طلبی جهان غرب.....	۲۵
۳. هنجارسازی جهانی.....	۳۰
الف. گسترش دموکراتیک‌گرایی غربی به سایر کشورها.....	۳۱
ب. حمایت از فردگرایی.....	۳۲
ج. گسترش حقوق بشر.....	۳۳
۴. جهان‌گرایی در هنجارها و ادبیات غربی.....	۳۸
۵. دشمن‌سازی غرب در جغرافیای جهان اسلام.....	۴۳
الف. انقلاب به عنوان نماد تعارض علیه جهان غرب.....	۴۵
ب. بدبینی جهان غرب نسبت به کشورهای عربی - اسلامی.....	۵۲
ج. مخدوش‌سازی هنجارهای اسلامی توسط جهان غرب.....	۵۵
د. تلاش برای رویارویی و جدال‌گرایی با نیروهای چالشگر جهان اسلام.....	۶۰
۶. بازسازی بحران معنا در جهان غرب.....	۶۵
۷. مذهب‌گرایی به عنوان نماد هنجاری جهان غرب.....	۶۹
الف. مذهب به عنوان نماد همبستگی اجتماعی غرب.....	۷۳
ب. مذهب به عنوان نماد ستیزش گفتمانی با دیگری.....	۷۵

ج. نقش گروه‌های راست مسیحی در ایدئولوژی‌سازی سیاست و قدرت در جهان غرب..... ۸۶

## فصل دوم: استراتژی جهان غرب در برخورد با جهان اسلام..... ۹۷

۱. متهم‌سازی بازیگران جهان اسلام به تروریسم و خشونت‌گرایی..... ۱۰۰
۲. کنترل‌گرایی جهان غرب بر حوزه‌های ژئوپلیتیکی جهان اسلام..... ۱۰۳
۳. حداکثرسازی حمایت جهان غرب از اسرائیل و یهودیان..... ۱۰۷
۴. هژمونی‌گرایی منطقه‌ای و بین‌المللی جهان غرب..... ۱۱۶
۵. بیگانه‌ستیزی جهان غرب علیه نیروهای پیرامونی..... ۱۲۱
۶. هژمونی‌گرایی غرب و تعارض امپریالیستی با جهان اسلام..... ۱۳۱
۷. لیبرال‌سازی رهایی‌بخش جهان پیرامون..... ۱۳۵
۸. فعال‌سازی استراتژی اصلاح از درون..... ۱۴۶
۹. بازتولید ائتلاف‌های درون‌تمدنی جهان غرب..... ۱۴۹
۱۰. عملیات روانی علیه کشورهای جهان اسلام..... ۱۵۴
- الف. فعال‌سازی «هالیوود» و «والت دیسنی»..... ۱۵۵
- ب. تولید بازی‌های کامپیوتری..... ۱۵۸
- ج. توسعه ادبیات نبرد سرنوشت‌ساز..... ۱۶۰
۱۱. دیپلماسی عمومی جهان غرب علیه کشورهای اسلامی..... ۱۶۲
۱۲. تعارض‌گرایی جهان غرب با اسلام‌گرایی..... ۱۶۸
۱۳. تخریب سازنده علیه واحدهای جهان اسلام..... ۱۸۱
۱۴. به کارگیری الگوی انقلاب‌های رنگین در خاورمیانه..... ۱۹۲
۱۵. عملیات پیش‌دستی‌کننده جهان غرب علیه کشورهای اسلامی..... ۱۹۸

## فصل سوم: شاخص‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده اسلام سیاسی..... ۲۰۹

۱. ابهام و نگرانی اسلام سیاسی از کارکرد جهان غرب..... ۲۱۶
۲. مقاومت‌گرایی اسلام سیاسی در برابر جهان غرب..... ۲۲۲
۳. تفاوت‌گرایی اسلام سیاسی با «دیگری»..... ۲۲۷
۴. مقابله با سلطه‌گرایی غرب در تفکر سیاسی اسلام معاصر..... ۲۳۱
۵. افزایش تنفر مسلمانان نسبت به قالب‌های هژمونیک جهان غرب..... ۲۳۵

- الف. علل تنفر مسلمانان از جهان غرب ..... ۲۳۸
- ب. نشانه‌های تنفر مسلمانان از جهان غرب ..... ۲۴۰
۶. ایجاد حس خودآگاهی اسلامی به عنوان زیرساخت هویت اسلامی ..... ۲۴۸
۷. تبیین شرایط شبه جنگ در گفتمان اسلام سیاسی ..... ۲۵۱
۸. بازنمایی رویکرد اصلاح‌طلبی در اسلام سیاسی ..... ۲۵۹
۹. تنوع در دال‌های گفتمانی ..... ۲۶۹
۱۰. تمرکزگرایی در رفتار استراتژیک بازیگران اسلامی ..... ۲۷۴
۱۱. هنجارسازی در جهان اسلام و محیط پیرامونی ..... ۲۸۲
۱۲. نوآوری تفسیری ..... ۲۹۲
۱۳. احیاگرایی دینی و هویتی ..... ۲۹۴
۱۴. عدالت‌گرایی ایدئولوژیک ..... ۲۹۷

### فصل چهارم: سازوکار و فرایند مقاومت اسلام سیاسی در برابر تهدیدات

- غرب ..... ۳۰۷
۱. باز تأسیس هویتی و رفتاری اسلام‌گرایی ..... ۳۱۱
- الف. زیرساخت‌های اجتماعی - تأسیسی اسلام سیاسی در مصر ..... ۳۱۸
- ب. زیرساخت‌های اجتماعی - تأسیسی اسلام سیاسی در ترکیه ..... ۳۲۳
- ج. زیر ساخت‌های اجتماعی - تأسیسی در الجزایر ..... ۳۲۸
- د. زیر ساخت‌های اجتماعی - تأسیسی در ایران ..... ۳۳۷
۲. با ثبات‌سازی ساختاری نظام‌های سیاسی در جهان اسلام ..... ۳۵۴
۳. حل مسالمت‌آمیز اختلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی ..... ۳۶۴
- الف. موازنه‌سازی درون ساختاری ..... ۳۶۷
- ب. موازنه‌سازی منطقه‌ای و بین‌المللی ..... ۳۷۲

- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۳۷۹
- کتابنامه ..... ۳۸۹
- کتاب‌های فارسی ..... ۳۸۹
- کتاب‌های لاتین ..... ۳۹۲
- نمایه ..... ۴۰۷

## پیشگفتار

بایستگی تحقیق دقیق، جامع و منسجم، پیرامون زیرساخت‌های اندیشه دینی و نظامات اجتماعی مبتنی بر آن و ضرورت پردازش علمی و روزآمد موضوعات فکری، به فراخور مقتضیات عصر و در خور انقلاب اسلامی، تأسیس نهادی علمی پژوهشی همچون پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی را فرض می‌نمود. به علاوه آسیب‌شناسی در حوزه فرهنگ ملی و باورهای دینی و تبیین صحیح اندیشه دینی و دفاع معقول از آن و نیز زدودن پیرایه‌های موهم و موهن از ساحت قدسی دین، ضرورت تأسیس این نهاد را دو چندان می‌ساخت.

پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی به عنوان یک مؤسسه عالی پژوهشی، بین‌المللی و غیر انتفاعی با اخذ مجوز رسمی فعالیت از شورای عالی گسترش آموزش کشور در تاریخ دهم اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۳ رسماً آغاز به کار نموده است. هم‌اکنون این پژوهشگاه پس از یک دهه فعالیت علمی - پژوهشی مستمر و با کسب تجربیات مفید و ارزنده در این عرصه، دارای سه پژوهشکده و شانزده گروه علمی و شش مجله تخصصی و سه دانشنامه است که از محصول فعالیت این مجموعه تا این تاریخ حدود چهارصد اثر انتشار یافته است.

### پژوهشکده‌ها:

یک: پژوهشکده حکمت و دین‌پژوهی با گروه‌های: قرآن‌پژوهی، کلام و

دین پژوهی، معرفت‌شناسی، فلسفه، عرفان و منطق فهم دین.  
دو: پژوهشکده نظام‌های اسلامی با گروه‌های: سیاست، اقتصاد، فقه و حقوق، مدیریت اسلامی، اخلاق و تربیت.

سه: پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی با گروه‌های: مطالعات انقلاب اسلامی، تاریخ و تمدن، غرب‌شناسی، ادبیات اندیشه، فرهنگ پژوهی.  
مجلات:

فصلنامه‌های قبات، ذهن، کتاب نقد، اقتصاد اسلامی، فقه و حقوق، ماهنامه زمانه  
دانشنامه‌ها:

امام علی (ع)، قرآن‌شناسی، فرهنگ فاطمی (س)  
کتاب حاضر حاصل تلاش مؤلف محترم می‌باشد که مراحل ارزیابی، چاپ و انتشار آن توسط گروه غرب‌شناسی پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی صورت گرفته است.

شایان ذکر است که این گروه عمدتاً با اهداف زیر فعالیت می‌کند:

۱. شناخت، ارزیابی و شناساندن زوایای مختلف اندیشه، سیاست و فرهنگ اسلامی.

۲. شناسایی راه‌های تعامل و مفاهمه فرهنگی و اندیشه‌ای بین اسلام و غرب و ساخت‌شکنی و اصطیاد عناصر انسانی و عقلانی فرهنگ و تمدن غرب و نیز بهره‌گیری از تجارب و دست‌آوردهای علمی آن.

۳. شناسایی زمینه‌ها و اقتضائات مختلف صدور فرهنگ و اندیشه اسلامی به غرب.

۴. مطالعه طرق و ساز و کارهای سلطه فرهنگی غرب در جهت حفظ اصالت و هویت فکری - فرهنگی جامعه اسلامی - ایرانی.

در راستای نیل به این اهداف، موضوع اثری که پیش رو دارید حائز اهمیت و اولویت می‌باشد و با لحاظ موارد فوق نسبت به سایر آثار منتشره در این حوزه یک اثر بی‌بدیل و یا حداقل کم نظیر است. به همین سبب، پیشنهاد چاپ

و نشر آن در تاریخ ۸۲/۹/۱۷ در دستور کار گروه قرار گرفته و پس از طی مراحل ارزیابی در تاریخ ۸۵/۷/۱۰ به تصویب نهایی شورای علمی گروه رسیده است. در این جا، شایسته است از جناب آقای دکتر محمد رحیم عیوضی که عهده‌دار ارزیابی و نیز از جناب آقای دکتر ابراهیم متقی به خاطر تألیف این اثر سپاسگزاری نماییم. از خوانندگان گرامی استدعا داریم، از طریق پایگاه اطلاع‌رسانی پژوهشگاه به آدرس [www.iiict.ir](http://www.iiict.ir) گروه را از نظرات و نقدهای خود بهره‌مند نمایند.

گروه غرب‌شناسی

پژوهشکده فرهنگ و مطالعات اجتماعی

## مقدمه

در هر دوران تاریخی، شکل خاصی از روابط فرهنگی، سیاسی و استراتژیک بین کشورها برقرار می‌شود. بسیاری از نظریه پردازان می‌کوشند تا جلوه‌های تأثیرگذار بر رفتار گروه‌های اجتماعی، مجموعه‌های هویتی و واحدهای سیاسی را تبیین کنند. هر یک از آنان بر نشانه‌های خاصی از نیروهای تأثیرگذار تأکید دارند. در این ارتباط، تعارض تئوریک ساختارگرایان و سازه‌انگاران بیش از سایر رهیافت‌های نظری از اهمیت و مطلوبیت برای تبیین تحولات برخوردار است.

مناظره واقع‌گرایان ساختاری و سازه‌انگاران عمدتاً درباره علل شکل‌گیری تعارض بین بازیگران می‌باشد. در این ارتباط، می‌توان نظریات الکساندر ونت را در مورد سازه‌انگاری مورد توجه قرار داد. این نظریه‌ها می‌تواند بخشی از تحولات موجود نظام بین‌المللی را تبیین و تفسیر کند. سازه‌انگاری قبل از آن‌که در حوزه روابط بین‌الملل مطرح شود، به عنوان رهیافت نظری در جامعه‌شناسی معرفت و همچنین حوزه‌های علوم اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گرفت. علل آن‌را باید تأکید حوزه‌های سازه‌انگاری در نشانه‌های رفتاری بازیگران دانست. سازه‌انگاران بر ساخت اجتماعی واقعیت تأکید دارند.

بر اساس چنین رهیافتی، جهان بر اساس قالب‌های تحلیلی و تئوریک از پیش ساخته شکل نمی‌گیرد. در هر دوران، جلوه‌های خاصی از رفتار ایجاد می‌شود که انعکاس نشانه‌های همکاری و تعارض می‌باشد. این امر را می‌توان



به عنوان مبنای تئوریک جدال کشورها و واحدهای سیاسی دانست که در قالب موضوعات تمدنی و فرهنگی رفتار می‌کنند. جدال غرب با اسلام‌گرایی در چنین قالب‌های محتوایی و هویتی شکل گرفته است. هر یک از آنان دارای نشانه‌های هویتی، فرهنگی و تمدنی خاصی می‌باشند.

اسلام و غرب مبتنی بر تفاوت‌های تأریخی و هویتی مورد ارزیابی واقع می‌شوند. آنان در دوران‌های تاریخی مختلف بر اساس نیازهای استراتژیکه خود به جدال مبادرت ورزیدند. جدال‌گرایی غرب علیه کشورهای اسلامی و قالب‌های تئوریک اسلام، ماهیت استراتژیک داشته و در این ارتباط بسیاری از تعارضات منطقی و بین‌المللی بر مبنای نشانه‌های مذهبی انجام شده است. این امر نشان می‌دهد که نشانه‌ها می‌تواند ابزار تعارض بین بازیگران مختلف باشد، و یا این که تعارض‌ها بر اساس تفاوت‌های هویتی، معنایی و نشانه‌ای متفاوت ایجاد می‌شود.

هر یک از رویکردهای یاد شده را می‌توان نمادی از تعارض دانست. اما واقعیت تعارض بین بازیگران مختلف را نمی‌توان انکار نمود. به هر میزان سیاست بین‌المللی دچار پیچیدگی گردد، طبیعی است که امکان حل تعارض‌ها با مشکلات و مخاطرات بیش‌تری همراه می‌باشد. بنابراین در دوران بعد از جنگ سرد سطح گسترده‌تری از جدال و تعارض بین جهان غرب و کشورهای اسلامی مشاهده می‌شود. با مرور تحولات تاریخی می‌توان به این جمع‌بندی رسید که اسلام و غرب در بسیاری دیگر از دوران‌های تاریخی در وضعیت تعارض قرار داشته‌اند، اما در هیچ دورانی منازعات به میزان شرایط موجود پیچیده نبوده است. پیچیدگی منازعات، زمینه لازم را برای ایجاد جلوه‌های متنوعی از تهدید و جدال به وجود آورده است.

در دوران موجود دیدگاه‌های فلسفی، قالب‌های ارزشی و همچنین روابط اجتماعی متنوع و سازمان یافته‌ای از سوی جهان غرب و جهان اسلام مشاهده می‌شود. در این روند، مذهب نقش ویژه و مؤثری در روابط کشورها ایفا می‌کند. احیای مذهب در سطوح مختلف ظاهر شده است. از یک سو

می‌توان جلوه‌هایی از باز نمود هنجارهای مذهبی را در بین گروه‌های اجتماعی مورد ملاحظه قرار داد. شواهد نشان می‌دهد که بسیاری از جوامع از دهه ۱۹۸۰ به بعد در روند مذهب‌گرایی قرار گرفته‌اند. این امر زمینه‌های لازم برای بازیابی هویت و مشروعیت آنان را فراهم آورده است. از سوی دیگر شاهد جلوه‌هایی از مذهب‌گرایی در بین نخبگان سیاسی می‌باشیم.

آموزه‌های سنتی رفتار سیاسی و قدرت بر این امر تأکید داشتند که نخبگان سیاسی نباید در روند ماساژ دگرگیر هنجارهای مذهبی شوند. به‌طور مثال ماکیاوول در کتاب شهریار به این موضوع اشاره می‌کند که مذهب صرفاً برای گروه‌های اجتماعی دارای مطروبت است. در حالی که نخبگان و رهبران سیاسی باید تظاهر به رفتار مذهبی نمایند. واقعیت‌های دوران موجود نشان می‌دهد که بسیاری از رهبران سیاسی در کشورهای مختلف دارای رویکرد و نشانه‌های رفتار مذهبی و دینی می‌باشند. این امر تحت تأثیر موج‌های هویت‌گرایی جدید است.

در سومین سطح می‌توان نشانه‌هایی از مذهب‌گرایی را در حوزه‌های سیاستگذاری کشورها مورد ملاحظه قرار داد. این روند طی دو دهه گذشته، نه تنها با وقفه روبه‌رو نشده، بلکه نشانه‌هایی از افزایش مذهب‌گرایی در تمامی سطوح یاد شده به وجود آمده است. این امر را می‌توان زمینه‌ای برای افزایش تضادهای فرهنگی، هویتی و ایدئولوژیک جهان غرب با اسلام دانست. در این ارتباط ماکسیم رودنسون تأکید دارد:

مدت‌ها پیش از آن‌که جهان اسلام به عنوان یک مشکل واقعی مطرح نظر قرار گیرد، مسیحیت غرب آن را به عنوان یک اسباب مزاحمت و مایه دردسر تلقی کرده است.<sup>۱</sup>

عبارت یاد شده نشان می‌دهد که رودنسون تلاش دارد تا زمینه‌های تاریخی تعارض اسلام و غرب را مورد بررسی قرار دهند. او که از اسلام‌شناسان دانشگاه پاریس می‌باشد، مطالعات گسترده‌ای در ارتباط با قالب‌های ادراکی و

1. Maxim Rodinson, *Europe and the Mystique of Islam*, (London: IB. Tauris, 1987), P. 39.

هویتی اسلام و کشورهای مسلمان به انجام رسانده است. به اعتقاد وی نشانه‌های تعارض در بستر تاریخ وجود داشته و بر اساس ضرورت‌های استراتژیک مورد باز تولید قرار می‌گیرد. به این ترتیب شکل جدیدی از منازعه بازایی می‌شود. نگرش رادیکال بیانگر آن است که اسلام به عنوان نمادی از مقاومت در برابر جهان غرب قرار دارد. این امر در دوران‌های مختلف تاریخی وجود داشته، اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد به گونه قابل توجهی رشد کرده است. چنین روندی نشان می‌دهد که تضاد غرب با جهان اسلام صرفاً بر اساس مؤلفه‌های اجتماعی، فرایندهای تاریخی و نشانه‌ها شکل نگرفته، بلکه فراتر از آن دارای قالب‌های فلسفی است که قابلیت تعمیم تعارض در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و امنیتی را دارا می‌باشد.

هم اکنون جهان غرب احساس می‌کند قوی‌ترین تمدن‌ها را دارا می‌باشد، از قابلیت‌های مؤثر ابزاری برخوردار است و به این ترتیب قادر خواهد بود تا اراده خود را بر سایر محیط‌های اجتماعی و ساخت‌های قدرت تحمیل نماید. این امر تضاد گسترده‌ای بین اسلام‌گرایان و مجموعه‌های هژمونیک‌گرا در جهان غرب ایجاد نموده و معادله موازنه قوا را بین بازیگران بین‌المللی تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ زیرا چنین معادله‌ای بر رقابت بازیگران برای حداکثرسازی منافع و قدرت مبتنی می‌باشد. شواهد موجود نشان می‌دهد که تضادهای غرب و جهان اسلام فراتر از مؤلفه‌های اقتصادی است. هم اکنون تعارض‌ها ماهیت هویتی داشته و به این ترتیب منافع اقتصادی و استراتژیک غرب در چنین قالبی تعریف می‌شود. این امر زمینه‌های لازم برای تبدیل اسلام‌گرایان به دشمن را فراهم آورده است.

در دوران بعد از جنگ سرد، جهان غرب به این جمع‌بندی رسید که طیف گسترده‌ای از دشمنان جدید فراروی آنان قرار دارند که اصلی‌ترین آنان را اسلام‌گرایان تشکیل می‌دهند. به این ترتیب شکل جدیدی از نظام دو قطبی طراحی شده است. به اعتقاد هانتینگتون ایجاد الگوی دو جهانی در تاریخ غرب ریشه دارد. در ملت‌ها همواره این وسوسه وجود دارد که کشورها و گروه‌های

اجتماعی و تمدن‌ها را به دو گروه تقسیم کند. بر اساس چنین تقسیم‌بندی، واژه‌هایی همانند «خودی»، «غیرخودی»، «تمدن ما، بربرها، تروریست‌ها و واژه‌های مشابه به کار گرفته می‌شود. هر یک از واژه‌های یاد شده می‌تواند تضاد موجود بین کشورها را افزایش دهد.

با توجه به مؤلفه‌های یاد شده، دو نگرش در مورد ویژگی‌های عمومی سیاست بین‌الملل در دوران فعلی وجود دارد. برخی اعتقاد دارند رفتارهای سیاسی و استراتژیک بر اساس شکل‌بندی قدرت قرار دارد و منافع، محور اصلی رفتار بازیگران خواهد بود. بنابراین هر کشوری مبادرت به انجام کنش‌هایی می‌نماید که منجر به حداکثرسازی منافع و مطلوبیت‌های استراتژیک گردد. رئالیست‌ها بر چنین شاخص‌هایی تأکید دارند. حتی رئالیست‌های ساختاری نیز منافع را با مؤلفه‌هایی همانند ساختار نظام بین‌الملل پیوند می‌دهند. گروه دیگری که شامل پژوهش‌گران فرهنگ‌محور می‌باشند، بر نشانه‌هایی از هویت و انسجام‌گرایی تأکید دارند. آنان در تلاشند تا شکل خاصی از روابط را بین بازیگران ایجاد کنند که بر قالب‌های هویتی و اعتقادی مبتنی باشد. بر اساس چنین شاخص‌هایی، تمدن غرب در وضعیت تعارضی با اسلام‌گرایان قرار می‌گیرد.

نظریه‌پردازانی که بر نشانه‌ها و قالب‌های هویتی تأکید دارند، شکل خاصی از تعارض را مطرح کرده‌اند که بر جدال‌های بنیادین غرب و اسلام استوار می‌باشد. از جمله این نظریه‌پردازان می‌توان به آلبرت هوراس اشاره کرد. به زعم نامبرده، جهان غرب نه تنها با اسلام‌گرایان در تعارض است، بلکه آنان حتی نسبت به اسلام و بنیان‌های اعتقادی مسلمانان نیز خصومت می‌ورزند. در چنین شرایطی جدال‌گرایی ماهیت گسترده و فراگیرتری پیدا می‌کند. زیرا منای اصلی انتقاد و جدال جهان غرب با اسلام به موضوعات ایدئولوژیک و زیرساخت اعتقادی آنان مربوط می‌شود. بدینی تقابل‌گرایان در جهان غرب

1. Self

2. Others

نسبت به اسلام‌گرایی و اسلام به گونه‌ای است که به اعتقاد حورانی: باور اکثریت مسیحیان این بود که اسلام یک دین ساختگی است. الله خدا نیست. [حضرت] محمد (ص) پیامبر نیست و کسانی مردم را به اسلام دعوت کردند که شخصیت و انگیزه‌های آن‌ها با شمشیر تبلیغ می‌شد.<sup>۱</sup>

برای تقابل‌گرایان غربی نسبت به *قالب‌های اعتقادی* و بنیان‌های درونی اسلام‌گرایان تردید داشته و می‌کوشند تا از آنان به عنوان نمادهای *شخصیت در نظام بین‌الملل* یاد کنند. این روند در دوران جنگ سرد ماهیت کاملاً متفاوتی داشت. از سال ۱۹۲۵ به بعد که نظام بین‌الملل دارای ساختار دو قطبی بود، بخش عمده‌ای از تعارض جهان غرب علیه اتحاد جماهیر شوروی و کمونیسم سازماندهی گردید. در شرایطی که نظام کمونیستی کارکرد تقابلی خود را با جهان غرب و آمریکا از دست داده است، غربی‌ها تلاش دارند تا جلوه‌ای از ستیزش و رویارویی را با دشمنان جدید سازماندهی نمایند. در عصری که *فوکویاما* آن را پایان تاریخ می‌نامند و بر پیروزی لیبرال دموکراسی غربی تأکید دارد، طبیعی است که جدال‌گرایی غرب با جهان اسلام به گونه قابل توجهی افزایش خواهد یافت. در این ارتباط، جدال‌ها می‌تواند ماهیت ایدئولوژیک، ژئوپولیتیک، ژئوکالچرال و استراتژیک داشته باشد.

طی سال‌های بعد از جنگ سرد شاهد «شخصان بحران» بین حوزه‌های ژئوپولیتیک و ژئوکالچر جهان اسلام و دنیای غرب بوده‌ام. این روند بخش قابل توجهی از سیاست بین‌الملل را ایجاد کرده است. از آنجایی که هر دوران تاریخی بر مبنای شکل خاصی از تعارض قرار دارد، از این رو جدال غرب در دوران موجود فراروی اسلام‌گرایی قرار گرفته است.

## نوآوری پژوهش

تا کنون رهیافت‌های تبیین‌کننده روابط جهان غرب با دنیای اسلام بر اساس قالب‌ها و «شخص‌های فلسفی» ارائه می‌شد. بسیاری از ادبیات سیاسی موجود

1. Albert Hourani, *Islam in European Thought* (New York: Cambridge University Press 1991) pp 7-8.

که تبیین‌کننده روابط غرب و جهان اسلام می‌باشند، بر اساس «استراتژی کلان» تنظیم گردیده‌اند. چنین رهیافت‌هایی منجر به ظهور نشانه‌هایی از تعمیم مسایل فرهنگی به موضوعات ایدئولوژیک و استراتژیک شده است.

در این پژوهش «نشانه‌های رفتاری» کشورهای جهان غرب و واحدهای سیاسی خاورمیانه مورد توجه قرار گرفته و نظریه‌پردازی‌های مختلف درباره تعارض، ستیزش، مقابله و یا اشکال دیگری از جهت‌گیری سیاسی و استراتژیک کشورها بر اساس نشانه‌های رفتاری مورد بررسی قرار می‌گیرد. به‌طور کلی، ادراکات در جهت‌گیری و کنش سیاسی به عنوان زیربنای رفتاری کشورها تلقی می‌شود. زمانی که طیف گسترده‌ای از ایستارها و تصورات ذهنی با واقعیت‌های عینی ترکیب شوند، شکل خاصی از ادراکات سیاسی و ایدئولوژیک به وجود می‌آورند. بنابراین، پژوهش موجود با روش استقراری انجام گرفته و نشانه‌های تعارض یا همکاری به عنوان گروه شاهد محسوب می‌شود. تاریخ سیاسی و فرایندهای رفتاری کشورها در نظام بین‌الملل می‌توانند تعیین‌کننده الگوهای جدال یا همکاری تلقی گردند.

آنچه در مطالعات تاریخی و فرایندهای سیاسی در روابط کشورهای جهان غرب و دنیای اسلام مشاهده می‌شود، بیانگر جلوه‌هایی از «تعارض نهفته» و آشکار بین دو حوزه تمدنی، سیاسی و فرهنگی متفاوت می‌باشد. روند یاد شده در دوران بعد از جنگ سرد از شرایط مبتنی بر جدال نهفته به «تعارض آشکار» و «رویارویی هویتی» تبدیل شده است.

تعارض نهفته بر اساس روندهای کنش‌گری فعال گردیده و به نازعه خصومت‌آمیزی تبدیل می‌شود. در دوران موجود نیروهای تمدنی فرهنگی جهان اسلام از جایگاه «سوژگی کنش‌گر» برخوردار گردیده و در نتیجه فراتر از قالب‌های رفتار تاریخی-تمدنی و «متنی»<sup>۱</sup> ایفای نقش می‌کنند. چنین نشانه‌هایی در پژوهش موجود مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرند.